تدوين چشم انداز فرهنگي حوزه علميه بر اساس شاخصه هاي تحقق تمدن نوين اسلامي - فرزانه قضاوي) بر اساس ديدگاه مقام معظم رهبري)

تدوين چشم انداز فرهنگي حوزه علميه بر اساس شاخصه هاي تحقق تمدن نوين اسلامي - فرزانه قضاوي)بر اساس ديدگاه مقام معظم رهبري)

فرزانه قضاوي [1]

چكيده:

يكي از نيازهاي تدوين چشم انداز حوزه هاي علميه در بخش فرهنگي، شناخت مؤلفه هاي تمدن نوين اسلامي به عنوان هدف بلند مدت در اجراي برنامه هاي فرهنگي است. در اين مقاله تلاش شده تا شاخصه هاي اين تمدن در انديشه مقام معظم رهبري به مثابه يک متفكر و انديشمند اسلامي مورد واكاوي قرار گيرد و با نظر به ضرورت تدوين چشم انداز فرهنگي حوزه هاي علميه بر اساس اين شاخصه ها، مؤلفه هاي كاركردي در اين بخش استخراج گردد. پنج بخش نظريه پردازي و تدوين قوانين، اجراي قوانين، برنامه هاي تبليغاتي، تربيت نيروي انساني و روابط و تعاملات بين المللي در حوزه فرهنگ از زير مجموعه هاي استخراج شده در اين مقاله است.

كليدواژه ها: چشم انداز فرهنگي، تمدن نوين اسلامي، حوزه علميه، مقام معظم رهبري

مقدمه

تمدن نوين اسلامي تمدني است كه در بستر فرهنگ اسلامي رشد كرده و نظامات گوناگون آن ريشه در باورهاي بنيادين اسلامي دارد و موجد توسعه و پيشرفت در جلوه هاي مادي و معنوي امت اسلام است.

از نظر مقام معظم رهبري نيز هدف نهايي انقلاب اسلامي رسيدن به تمدن نوين اسلامي در زنجيره اي منطقي و مستمر است. جهت تحقيق اين امر حوزه هاي علميه به عنوان يكي از مهم ترين متوليان سياستگذاري فرهنگي بايستي اين مولفه هاي تحقق تمدني را شناخته و چشم انداز و برنامه هاي خود را براساس اين مولفه ها پي ريزي نمايند.به عبارت ديگر تحقق تمدن نوين اسلامي بدون داشتن نقشه راه و الگويي جامع ممكن نخواهد بود كه اين نقشه و الگو برآيند چشم اندازهاي فرهنگي در موسسات فرهنگ محور ميباشد.حوزه علميه هم به عنوان متولي سياستگذاري فرهنگي لازم است چشم انداز فرهنگي خود را بر اساس مولفه هاي تحقق تمدن نوين اسلامي صورت بدهد. هدف اصلي اين مقاله در وهله نخست واكاوي و شناخت مولفه هاي تحقق تمدن نوين اسلامي و الزامات آن در سخنان مقام معظم رهبري است ودر مرحله دوم شناخت شاخصه هاي چشم انداز فرهنگي حوزه براساس اين مولفه هاست.به تعبير ديگر دو سوال اصلي در اين مقاله مطرح است: سوال اول اين كه از نظر مقام معظم رهبري شاخصه هاي تحقق تمدن نوين در بعد فرهنگي كدام است؟ سوال دوم اين كه شاخصه هاي فرهنگي حوزه علميه در تدوين چشم انداز كدام است؟پيشينه تحقيق: ملاشاهي (1394)در مقاله پژوهشي خود " اقتضائات تحقق تمدن نوين اسلامي" سه بعد اساسي عقلانيت، اخلاق و معنويت در تمدن سازي را بررسي كرده و نسبت و رابطه هر كدام را با موضوع تمدن بررسي ميكند. وي در بعد اخلاقي تمدن سازي اسلامي مولفه هايي چون حس كرامت، اصالت اخلاقي، پرهيز از خودستايي، مدارا و سعه صدر، مهرورزي و در بعد عقلاني مولفه هاي اجتهاد پويا ، مديريت كارآمد، اهتمام به دانش بومي، عبرت گيري و در بعد معنوي مولفه هاي نگرش توحيدي، مقابله با عناصر معنوي كاذب و تبيين درست مولفه هاي معنوي را معرفي ميكند.رجبي و دواني (1394) در مقاله پژوهشي خود عناصر تمدن نوين اسلامي را عقل گرايي، عدالت گرايي، علم گرايي، جامع گرايي، جهان گرايي، آسان گيري و اخلاق گرايي را معرفي كرده است و از الزامات تمدن نوين اسلامي به اين موارد اشاره نموده است.توجه به علومو معارف قرآني، تلاش مجدانه با اعتقاد راسخ به تدوين نقشه راهبردي و كلان تربيت انسان متعالي، رعايت ارزشهاي اخلاقي در بعد علمي و عملي، بومي سازي علمي و فرهنگي، اصلاح سبک زندگي و رعايت ارزش هاي اخلاقي از ديگر زيرمجموعه هاي اشاره شده است. جهان بين و معيني پور (1393) در مقاله پژوهشي خود تحت عنوان "فرآيند تحقق تمدن نوين اسلامي از منظر مقام معظم رهبري" براي تحقق سه مرحله از زنجيره تمدن اسلامي(دولت اسلامي، تمدن اسلامي،جامعه اسلامي) پيمودن چهار گام را لازم ميداند. 1- توليد نظريه توسط حوزه علميه 2- توليد علم توسط دانشگاه 3- كاربست در سطح خرد توسط گروههاي خودجوش نخبگان و

4-گفتمان سازي.

ملكي (1392)عامل انساني آگاه (تربيت نيروي انساني و مديران لايق) همراه با ظرفيت سازي و پرورش نيروهاي كارآمد متناسب با رسالات انقلاب اسلامي را از الزامات تمدن سازي ميداند و معتقد است تمدن سازي پديده اي چند بعدي است كه به مديريت كارآمد نياز مبرم دارد.همچنين اجتهاد پويا و احساس هويت و خودباوري به معني اتكاي به ارزشهاي اصيل الهي و ارزشهاي خودي را از الزامات تمدن سازي ميداند. حسن ملايي(1394) جايگاه و كاركردهاي آموزه مهدويت و انتظار در شكل گيري تمدن نوين اسلامي را برسي كرده و معتقد است كه در راستاي ايجاد تمدن اسلامي از فرهنگ انتظار و مهدويت كاركردهاي فراواني ميتوان استخراج كرد كه برخي از آنها عبارتند از : اميد به تحقق تمدن نوين اسلامي، جهاد و تلاش در مسير تحقق، اخلاص در جهاد، وحدت مردم و مسئولان و نيروسازي و توجه جدي به جوانان.

1. مفهوم تمدن و معناي اصطلاحي آن

مفهوم تمدن civilization معادل تمدن يا حضاره است. اين واژه در زبان انگليسي از لغت civis به معني شهروند و شهرنشين گرفته شده و براي دلالت بر ويژگي هايي مانند لطف، كياست و لياقت مورد استفاده قرار گرفته است كه دستاورد شهرنشيني است يا براي پيشرفت و ترقي افراد و جمعيتهاي شهرنشين استفاده ميشود (سپهري، 1385، ص 35).در فرهنگ فارسي تمدن اين چنين تعريف شده است: تمدن يعني شهرنشين شدن، خوي شهري گزيدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگي اجتماعي، همكاري مردم با يكديگر در امور زندگاني و فراهم كردن اسباب ترقي و آسايش خود. (عميد، 1389، ص 530). در عربي تمدن از واژه "حضار" اخذ شده است كه معناي آن اقامت كردن، استقرار يافتن و در تعريف اجتماعي همان شهرنشيني است. حضاره (شهر) به عكس بداوت(باديه) ناميده ميشود. (ولايتي، 1384، ص 33).مولف كتاب "التحقيق" واژه مدن را ماخوذ از لغت عربي و سرياني و واژه مدين و مدينه را از ماده "دين" به معناي پذيرش و خضوع در برابر برنامه ها، قوانين و مقررات ميداند. (مصطفوي، 1360، ص 55).بعضي مدينه را از "دان يدين" ميداند و ميم آن را زائد گرفته اند (اصفهاني، 1415ق، ص 663). ابن خلدون درتعريف تمدن مؤلفه هاي جمعيت، ثروت، كار، صنعت، دانش، جغرافيا، شهرنشيني، دين و عصبيت را معتبر دانسته است (آدمي، 1387، ص 31). به اعتقاد ابن خلدون در اجتماع، انسان داراي سرشت اجتماعي و مدني است يعني ناگزير است كه اجتماعي تشكيل دهد (ابن خلدون، 1371، ص 77). به اعتقاد علامه جعفري "تمدن عبارت است از برقراري نظم و هماهنگي در روابط انسان هاي يک جامعه كه تصادم ها و تزاحم هاي ويرانگر را منتفي ساخته و مسابقه در مسير رشد و كمال را جايگزين آن نموده اند، به طوري كه زندگي اجتماعي افراد و گروه هاي آن، موجب بروز و به فعاليت رساندن استعدادهاي سازنده آن ها باشد (جعفري، 1373، ص 77).

در انديشه امام خميني (ره) مفهوم تمدن در قالب معاني مختلفي بيان شده است. ايشان تمدن را از فرهنگ متمايز ساخته و معتقدند "فرهنگ يک ملت در رأس تمدن آن واقع شده است و فرهنگ بايستي فرهنگي موافق با تمدن باشد. تعريف امام (ره) بيانگر دستاوردهاي مادي براي ادامه زندگي و توسعه و ترقي است. در اين تعريف، فرهنگ که بيشتر دستاوردهاي معنوي انسان را شامل ميشود، مقدم بر مفهوم تمدن است. (فوزي و صنم زاده، 1391، ص 22).

2. تعريف شاخص

شاخص در لغت به معناي برآمده، مرتفع، چشمگير، برجسته و آن چيزي است که مقدارش ماهيت چيزي را بيان ميکند. (عميد، 1382، ص1105). شاخص، کميتي است که نماينده چند متغير همگن است و وسيله اي براي اندازه گيري و مقايسه پديده هايي است که ماهيت و خاصيت مشخصي داشته و بر مبناي آن ميتوان تغييرات ايجاد شده در متغيرهاي معيني را در طول يک دوره بررسي کرد. هر تمدني شاخصه هايي دارد که شامل اقتصادي، شهري، فرهنگي، اجتماعي، امنيتي و ...است. (جان احمدي، 1388، ص29-30)

تعريف تمدن اسلامي

تمدن اسلامي تمدني ديني است که همه مؤلفه هاي آن بر محور اسلام ميگردد. تمدن اسلامي از همه ويژگي هاي تمدن الهي در چارچوب آموزه هاي قرآني و متکي بر سنت پيامبر اکرم (صلي ا عليه و آله) برخوردار است و مؤلفه هاي آن دين، اخلاق، علم، عدالت، قوانين، مقررات و اصول ديني است. (جان احمدي، 1388، 51-52). مقام معظم رهبري در تعريف تمدن اسلامي ميفرمايند:"تمدن اسلامي فضايي است که انسان در آن فضا به لحاظ معنوي و مادي ميتواند رشد کند و به غايات مطلوبي برسد که خداي متعال او را براي آن غايات خلق کرده است؛ زندگي خوب و عزت مندانه اي داشته باشد؛انسان عزيز، انسان داراي قدرت، داراي اراده، داراي ابتکار، داراي سازندگي جهان طبيعت؛ تمدن اسلامي به اين معني است و هدف و آرمان جمهوري اسلامي اين است" (بيانات مقام معظم رهبري، 14/6/1392). در اين تعريف، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادي و معنوي بشر مطرح شده است که منجر به تکامل و قرب او به خدا ميشود.

در جمع بندي آراي فوق نکات زير را ميتوان بيان کرد:

1- تمدن اسلامي بر اساس آيات قرآن و توسط پيامبر (صلي ا عليه و آله) برنامه ريزي شده است.

2- تمدن اسلامي همه ابعاد معنوي و مادي بشر را در همه مكان ها و زمان ها شامل ميشود.

3- از آنجا كه تمدن اسلامي بر پايه فرهنگ و اخلاق متكي است، داراي پويايي است.

به طور كلي تمدن اسلامي شامل همه دستاوردهاي فرهنگي، علمي، مذهبي، اخلاقي و مادي مسلمانان است كه از عصر پيامبر شروع و با گسترش قلمرو اسلامي در همه ابعاد پيشرفت و گسترش داشته است.

3. شاخصه هاي تمدن اسلامي از ديدگاه مقام معظم رهبري

در انديشه مقام معظم رهبري ،شاخصه هاي تمدن نوين اسلامي ، بهره مندي انسان ها از همه ظرفيتهاي مادي و معنوي است كه خداوند براي تامين سعادت و تعالي آنان در عالم طبيعت و در وجود خود آنان تعبيه كرده است. محوريت قرآن، ايمان، اخلاق، علم، مجاهدت، حكومت مردمي، انديشه پيشرفته، اجتهاد ، پاسخگويي به نيازهاي نوين بشر، پرهيز از تحجر و ارتجاع و بدعت و التقاط، ايجاد رفاه عمومي، استقرار عدالت، تكاثر و دفاع از مظلومان عالم است كه وجه مشترک شاخصه هاي تمدن اسلامي در ديدگاه ايشان و ساير انديشمندان اسلامي است. ايشان از ابتكار و خلاقيت، توجه به رسانه هاي مدرن، هنر، سينما، بهبود روابط بين الملل، صدور احكام فقهي متناسب با نيازهاي نوين بشر به عنوان شاخصه هاي تمدن نوين اسلامي ياد ميكنند كه همين شاخصه ها قابليت اين را دارند كه جهان بيني مادي ظالمانه غرب را به سوي سعادت بكشانند. (بيانات مقام معظم رهبري، 9/2/1392).

4. الزامات كاربردي تحقق تمدن نوين اسلامي در انديشه هاي مقام معظم رهبري

از آن جا كه اين مقاله مؤلفه هاي تمدن اسلامي را از ديد و نظرگاه مقام معظم رهبري استخراج مينمايد و اگر نياز به طبقه بندي اين مؤلفه ها باشد، چه بهتر كه تقسيم بندي اين مولفه ها از ديدگاه خود ايشان انجام شود. به اعتقاد معظم له مؤلفه هاي تمدن نوين اسلامي به دو بخش ابزاري و بخش حقيقي قابل تقسيم است.ايشان ميفرمايند" بخش ابزاري، ارزش هايي است كه امروزه به عنوان معيار پيشرفت كشور مطرح است كه علم، اخلاق، تبليغ و ابزارهاي تبليغ را دربرمي گيرد. اما بخش حقيقی، آن چيزهائی است كه متن زندگی ما را تشكيل ميدهد؛ كه همان سبك زندگی است. اين، بخش حقيقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئلهی خانواده، سبك ازدواج، نوع مسكن، نوع لباس، الگوی مصرف .ما اگر پيشرفت همهجانبه را

به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره يك مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد يك تمدن نوین اسلامی است؛ این تمدن نوین دو بخش دارد: يك بخش، بخش ابزاری است؛ يك بخش دیگر، بخش متنی و اصلي است.به هردو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش هائی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در اما بخش حقیقی، آن زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات چیزهائی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبك زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبك ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراك، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این ها آن بخش های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است"(بیانات مقام معظم رهبري، 23/7/1391).

5-1- مولفه هاي ابزاري تمدن نوين اسلامي

الف) محوريت قوانين قرآن

قرآن و جايگاه قوانين آن در تمدن اسلامي از جايگاه رفيعي برخوردار است. به اعتقاد مقام معظم رهبري شكل گيري تمدن نوين اسلامي بايد با توجه به "مباني مشترک همه مذاهب اسلامي" و نه فقط شيعه باشد. بديهي است كه اولين و عالي ترين منبع مشترک بين همه فرق اسلامي، قرآن عظيم است. ايشان هم چنين عامل اصلي دشمني معاندان با ايران اسلامي را همين موضوع محوريت قوانين الهي برگرفته از قرآن ميدانند.معظم له ميفرمايند" علت اهميت بسيار قرآن كريم، جامعيت قوانين آن و جوابگويي به همه نيازهاي فردي و اجتماعي بشر است" (بيانات مقام معظم رهبري، 26/6/90). هم چنين امام خميني اعتقاد به محوريت قوانين قرآن را از پيش فرض هاي امت واحده و تمدن نوين اسلام دانسته اند. (امام خميني، صحيفه، ص 449).

ب) محوریت ایمان

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستي و ایمان به خداست. "و لقد بعثنا في كل امه رسولان اعبدوا و اجتنبوالطاغوت" (نحل36). در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول نیاز تمدن نوین اسلامي به ایمان مطرح است.ایشان میفرمایند:"بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمي توان يك تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. اگر ایمان باشد، این تمدن دارای علم و صنعت خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت کننده و اداره کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ يك تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگِ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هائی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال میکنند....جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود يك حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاك بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازیِ اسلامیِ نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات و آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیقِ خودمان قرار دهیم" (بیانات مقام معظم رهبري، 23/7/1391).

ج) محوریت عقل وخردورزي

مقام معظم رهبري عقلانیت و خردورزي را این گونه تعریف کرده اند: " ، تربیت عقلانی یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان° حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مهم ترین مسئله است. علاوه بر این که در درجه ی اول در بعثت پیغمبر، مسئله ی عقل ودانایي مطرح شده است، در سرتاسر قرآن و تعالیم غیر قرآنیِ پیغمبر هم، هرچه شما نگاه میکنید، می بینید تکیه ی بر عقل و خرد و تأمل و تدبر و تفکر و این گونه تعبیرات است؛ حتّی در روز قیامت از زبان مجرمان، قرآن میفرماید: علت این که ما دچار آتش دوزخ شدیم، این است که به عقل خود مراجعه نکردیم؛ لذا امروز که روز قیامت است، به این سرنوشت ابدی تلخ مبتلا شدیم. در زندگی همه ی پیغمبران دعوت به عقل در درجه

ی اول است. این گنجینه ی خرد در دل من و شما هست. اشکال کار ما این است که مثل آن انسانی هستیم که بر روی گنجی خوابیده است، از آن خبر ندارد. وقتي به عقل وقتی مراجعه نمي‌کنیم و عقل را حَکم قرار نمي‌دهیم، عقل را تربیت وقتی نمي‌کنیم، زمام نفس را به دست عقل وقتی نمی سپریم، وضع ما همین است... .این گنجینه در اختیار ما هست، اما از آن استفاده نمي‌کنیم. آن وقت از بی عقلی و از جهل و عوارض فراوان آن دچار مشکلات فراوان زندگی در دنیا و آخرت مي‌شویم ... عقل است که انسان را به دین راهبرد مي‌دهد، انسان را به دین مي‌کشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار مي‌کند... لذا اولْ کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است" (بیانات مقام معظم رهبري، 29/4/1388).

د) محوریت علم

در فرمایشات مقام معظم رهبري چراغ راه تحقق تمدن اسلامي مجاهده علمي است. روش شناسي تولید علم از دیدگاه ایشان اجتهاد به معناي مصطلح آن یعني استنباط از منابع ديني و رجوع به عقلي است که پشتوانه آن وحي است که در این صورت علم میتواند در مسیر رشد و اعتلاي تمدن اسلامي قرار بگیرد.ایشان در بیانات خود میفرمایند: "تحجر و جزم گرایي در خصوص یافته هاي علمي گذشتگان یا متفکران قبلي آفت اصلي تحقق رشد علمي است و آزاد اندیشي راه برون رفت از این آفت است." (بیانات مقام معظم رهبري، 12/1379/9). البته تاکید ایشان به علم همراه با معنویت است.

هـ) محوریت اخلاق

اخلاق یکي دیگر از شاخصه هاي تمدن نوین اسلامي در اندیشه مقام معظم رهبري است. ایشان معتقدند که " معنویت و اخلاق همان عاملي است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهاني تبدیل کرد و این تمدن قرن ها دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا مدیون تمدن اسلامي است؛ توجه به خدا و توجه به معنویت باعث تکوین این تمدن گردید و در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاري با انگیزه ها و تلاشهاي مادي به وجود نمي آمد" (بیانات مقام معظم رهبري، 21/11/1375). رهبر انقلاب شرط اصلي ساختن یک تمدن پیشرفته را معنویت متکي به دین اسلام میدانند و معتقدند که معنویت ديني زمینه ساز شناخت استعدادها و بهره گیري مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد خواهد بود. ایشان میفرمایند:"مباني کارگشاي تمدن نوین اسلامي اسلام، خردورزي و اخلاق است که مایه اصلي فرهنگ صحیح است و بدون اینها پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامي شکل نخواهد گرفت (بیانات مقام معظم رهبري، 23/7/91).

و) محوريت تلاش جهادي

واژه تلاش جهادي در مواضع مقام معظم رهبري واژه اي كليدي و استراتژيک است و از نظر ايشان موفقيت و تاييدات الهي مرهون كار و تلاش جهادي است.ايشان ميفرمايند" همه تمدن سازيها، به بركت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه اش به معني رنج كشيدن نيست.جهاد شورآفرين است.امروز كه نياز به اين كار داريم كسي بيايدبه تنبلي و كسالت و انزوا و بيكارگي دعوت كنداينها ميشود كفران نعمت الهي"(بيانات مقام معظم رهبري، 11/2/92)

ز) نوگرايي

اين ركن تمدن اسلامي ميتواند موید اين معنا باشد كه تمدن اسلامي ضمن اينكه به ارزشهاي اصيل و اصول كتاب و سنت پاي بند است، از تحجرو تعصب نيز به دور است. چنين مفهومي از نوگرايي دقيقا ملازم دين مداري و عقل گرايي است كه قبلا به عنوان شاخصه هاي تمدني ياد كرديم. از نظر آيت ا خامنه اي "تجدد و نوگرايي حقيقي و باز كردن ميدان هاي تازه زندگي مطلوب اسلام است، اين به بركت تامل، تعقل، كار درست، كار فكري، تلاش عملي، مجاهدت، استقبال از كار و خطر در همه ميدان ها ، و همت ها را بلند كردن به دست ميآيد.ايشان نقطه مقابل چنين توصيفي از نوگرايي را سلفي گري و تحجر دانسته و آن را نقطه مقابل نگرش تمدني ميدانند واين گونه بيان ميكنند كه "سلفي گري اگر به معني اصول گرايي در كتاب و سنت و وفاداري به ارزش هاي اصيل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احياي شريعت و نفي غرب زدگي باشد، همگي سلفي باشيد و اگر به معناي تعصب و تحجر و خشونت ورزي ميان اديان و مذاهب اسلامي ترجمه شود ، با نوگرايي و سماحت و عقلانيت – كه اركان تفكر و تمدن اسلامي اند سازگار نخواهد بود و باعث ترويج سكولاريسم و بي ديني خواهد بود" (بيانات مقام معظم رهبري، 14/11/90).

ح) صدور احكام فقهي متناسب با نيازها و حوادث نوين

جامعيت قوانين اسلام به عنوان دين خاتميت اقتضا ميكند كه مسائل جديد در حوزه تمدن اسلامي بي پاسخ نماند.اهميت اين بخش در حوزه هاي علميه روشن تر از ساير بخش هاي فرهنگي است. مقام معظم رهبري نيز تاكيد دارند كه افراد مسلط به دانش روز براي پاسخ گويي به نيازهاي بشرباید در حوزه هاي علميه پرورش يابند. ايشان ميفرمايند: "روزي كه در جامعه و كشور ما صد نفر، پانصد نفر ،هزار نفر شخصيت روحاني مانند امام وجود داشته باشند، شما ببينيد چه حركت عظيمي در جامعه ايجاد ميشود. وقتي در جامعه ما صدها نفر شخصيت داراي دانش و دين و مسلط بر منطق و استدلال ديني در فلسفه و كلام ، فلسفه

جديد و محاجه با شبهه افكنان وجود داشته باشد، ببينيد چه اتفاق عظيمي ميافتد. وقتي به همين مجموعه هزاران كتاب، مجله و مقاله هاي علمي در سطح دنيا به زبان هاي مختلف منتشر شود، ببينيد چه خورشيد فروزاني از اين نقطه عالم بر همه فضاي فكري جهان پرتو خواهد افكند "(بيانات مقام معظم رهبري، 23/3/85).

ط) مدارا و سعه صدر

صبر و تحمل و استقامت و مقاومت از ديگر شاخصه هاي رسيدن به نتيجه مطلوب است. مقام معظم رهبري در بياناتي ميفرمايند: "استقامت يعني راه را گم نكردن،فريب جلوه هاي مادي را نخوردن، اسير هوي و هوس نشدن، دستورها و فرايض اخلاقي و معنوي و ادب اسلام را رها نكردن و به لذت طلبي و عشرت طلبي روي نياوردن" (بيانات مقام معظم رهبري، 17/7/81).

ي) انضباط كاري

از نظر مقام معظم رهبري نظم و انضباط كاري از الزامات يک مجموعه و كارگروهي است. ايشان ميفرمايند:" يک مجموعه‌ي و سپاه بايد منظم باشد؛ اين سپاه بودن، تكيه‌ي بر روي نظم، كار مديريتي و نتيجه‌بخش بودن مهم است؛ وقتي پراكندگي بود، پريشاني به‌وجود مي‌آيد، خيلي از كارها هدر ميرود، [امّا] وقتي سازمان و مجموعه و تشكيلات و نظم و انضباط برقرار بود، مثل جدول‌كشي در زير يک سدّ پُر از آب است كه اگر درست انجام بگيرد، يک قطره آب هدر نخواهد رفت و همه به محلّ مورد نياز ميرسد" (بيانات مقام معظم رهبري، 25/6/94)

ک) تقويت استقامت وتحمل مشكلات

مقام معظم رهبري استقامت،تحمل مشكلات و موانع را از شاخصه هاي تحقق تمدن نوين اسلامي ميدانند.ايشان در بيانات خود، استقامت و ايستادگي را درس سرنوشت سازي از پيامبر اعظم برشمردند و با اشاره به تأكيد پروردگار در قرآن مجيد مبني بر استقامت پيامبر و پيروانش افزودند: پيامبر اعظم، مسلمانان صدر اسلام را در مقابل هجوم پرجاذبة هواهاي نفساني و دنياي پرفريب و نيز تهاجم و تهديد و وعده‌هاي دشمنان بيروني هدايت و رهبري كرد و امروز ما به چنين استقامتي نيازمنديم "(بيانات مقام معظم رهبري، 6/1/85).

2-5- مولفه هاي كاركردي تحقق تمدن نوين اسلامي

الف) نيروسازي جهت تحقق تمدن نوين اسلامي

از عناصر موثر در تدوين و تحقق تمدن اسلامي، وجود نيروهاي كارآمدي است كه در اين مسير بتوانند هركدام با مسئوليت پذيري و به تناسب تواناييهاي خويش عهده دار بخشي از ساختن بناي عظيم تمدن اسلامي شوند. مقام معظم رهبري نقش نيروسازي توسط پيامبر اكرم در جريان شكل گيري تمدن نوپاي اسلامي را اين طور بيان ميفرمايند: "بيست و سه سال، زمان كوتاهی است؛ سيزده سال از اين مدت هم با مبارزاتِ غريبانه گذشت؛ در مكه اول با پنج و ده و پنجاه نفر شروع شد و جمعيت معدودی در زير فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، كور و جاهل توانستند مقاومت كنند؛ ستون های مستحكمی ساخته شد برای اين كه جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی بر روی اين ستون ها قرار بگيرد. بعد هم خداوند متعال شرائطی را پيش آورد كه پيغمبر توانست به مدينه هجرت كند و اين تمدن را پی‌ريزی كند. همه‌ی مدتی هم كه پيغمبر اكرم اين نظام نوپا را پرداخت، ساخت، آماده كرد، ده سال شده است؛ يعنی يك مدت كوتاه. يك چنين حوادثی معمولاً در طوفان امواج حوادث دنيا گم ميشود، از بين ميرود، فراموش ميشود. ده سال خيلی مدت كوتاهی است؛ اما در همين مدت پيغمبر اكرم توانست اين نهال را آبياری كند، وسيله‌ی رشد و نمو آن را فراهم كند؛ يك حركتی را ايجاد كند كه اين حركت يك تمدنی را آفريد و اين تمدن بر اوج قله‌ی تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت. يعنی در قرن سوم و چهارم هجری، در همه‌ی دنيای آن روز، با سابقه‌ی تمدن ها، با حكومت های مقتدر، با ميراث های گوناگون تاريخی، هيچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ " (بيانات مقام معظم رهبري، 9/4/90).

ب) توجه جدي به جوانان

براي ساختن تمدن بزرگ در ميان نيروهاي انساني مستعد، جوانان هر كشور با ويژگيهاي برجسته شور و نشاط و قدرت جواني و روحيه جسارت بهترين گزينه براي انجام كارهاي بزرگ و در راس آن تمدن سازي اند.مقام معظم رهبري در جمع جوانان باور خويش را چنيين فرمودند: "عقيده‌ی من اين است كه اگر چنانچه نيروی جوانی، يعنی قدرت فكری و بدنی، و اگر نشاط و روحيه و حالت تحرك و جسارت، يعنی خط شكنی‌ها، كه در جوانها به عنوان خصيصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمانها دست پيدا نخواهيم كرد. لذا جوان ها در زمينه‌ی دسترسی به آرمانها و تحقق آرمان های انقلاب و آرمان های اسلامی، دارای مسئوليتهای بزرگی هستند و كارآمدی بسيار بالائی هم دارند. هر كسی كه در پی تحقق آرمان ها است، بايد نقش جوان ها را جدی بگيرد؛ و بدانيد بنده نقش جوان ها را جدی ميگيرم" (بيانات مقام معظم

رهبري،6/5/92).

ج) اصل مهدويت به عنوان اصلي بنيادين در تمدن نوين اسلامي

لزوم تلاش براي برپايي تمدن اسلامي در پاسخگويي به عطش جهاني است.زيرا مردم جهان از وضعيت اسف بار كنوني خسته شده اند و به دنبال جهاني بهترو وضعيتي مطلوب هستند تا در آن فضا رشدي همه جانبه پيدا كنند و بايستي با در نظر گرفتن نقطه مطلوب و نهايي كه همان آينده روشن براي بشريت و تامين نيازهاي حقيقي انسان براي رسيدن به سعادت و كمال است، به سوي آن حركت كرد. آينده روشن در انديشه مقام معظم رهبري همان رسيدن به تمدن اسلامي است كه مصداق كامل آن در زمان ظهور و تشكيل حكومت و تمدن جهاني مهدوي خواهد بودكه از آن به مهدويت تعبير ميشود. ايشان ميفرمايند: "معنای انتظار فرج ، اين است كه مؤمنِ به اسلام، مؤمنِ به مذهب اهل بيت، وضعيتی را كه در دنيای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر ميداند. منتظر است كه اين فروبستگیِ كار بشر، اين گرفتاری عمومی انسانيت گشايش پيدا بكند. مسئله، مسئله ی گره در كار شخص من و شخص شما نيست؛ امام زمان برای اينكه فرج برای همه ی بشريت به وجود بياورد، ظهور ميكند كه انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه، بلكه تاريخ آينده ی بشر را نجات بدهد. اين معنايش اين است كه آنچه را كه امروز وجود دارد؛ اين نظم بشری غيرعادلانه، اين نظم بشری ای كه در آن انسان های بيشماری مظلوم واقع ميشوند، مورد رد و اعتراض بشری است كه منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج يعنی قبول نكردن و رد كردن آن وضعيتی كه بر اثر جهالت انسان ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانيت حاكم شده است. اين معنی انتظار فرج است.... يعنی منتظريم كه دست قدرتمند عدالت گستری بيايد و اين غلبه ی ظلم و جور را كه همه ی بشريت را تقريباً مقهور خود كرده است، بشكند و اين فضای ظلم و جور را دگرگون كند تا انسان ها احساس عدالت كنند. اين نيازِ هميشگی يك انسان زنده و آگاه است؛ انسانی كه سر در پيله ی خود نكرده باشد؛ انسانی كه به زندگی عمومی بشر با نگاه كلان نگاه ميكند، به طور طبيعی حالت انتظار دارد. اين معنای انتظار است. انتظار يعنی قانع نشدن، قبول نكردن وضع موجودِ زندگی انسان و تلاش برای رسيدن به وضع مطلوب، كه مسلّم است اين وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان تحقق پيدا خواهد كرد"(بيانات مقام معظم رهبري،27/5/87).

بنابراين در منظر ايشان مهدويت همان چشم انداز نهايي و همان نقطه اكمل و مطلوب حركت به سوي ساخت تمدن اسلامي است. دانستن اين مطلب از اين جهت ضروري است كه همگان بايد در برنامه ريزي خود آن نقطه آرماني منظور امام زمان و تشكيل تمدن اسلامي به دست خود امام زمان را هدف قرار داده و در طرح ريزي خود از آن الگو استفاده كنند.

د) ترويج سبک زندگي اسلامي بر اساس هويت ايراني –اسلامي

شاخصه سبک زندگي و تبيين عملي و کاربردي آن متناسب با هويت ايراني- اسلامي از شاخصه هاي مهم در زمينه سازي تمدن نوين اسلامي است. از منظر ايشان اگر هدف زندگي رسيدن به فلاح و رستگاري است، سبک زندگي در تحقق آن اهميت زيادي دارد.ايشان معتقدند که اگربه رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشيم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنيت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبك زندگی مهم است.ايشان سبک زندگي را بخش اصلي و حقيقي تمدن نوين اسلامي دانسته و ميفرمايند: تمدن نوين دو بخش دارد: يك بخش ابزاری ؛ ويک بخش متنی و اصلی. بخش ابزاری عبارت از ارزش هائی است که امروز به عنوان پيشرفت کشور مطرح است مانند علم، اختراع، صنعت، سياست، اقتصاد، اقتدار سياسی و نظامی، اعتبار بين‌المللی، تبليغ و ابزارهای تبليغ وبخش حقيقی، آن چيزهائی است که متن زندگی ما را تشکيل ميدهد؛ که همان سبك زندگی است . مثل مسئله‌ی خانواده، سبك ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراك، نوع آشپزی، تفريحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، مدرسه، فعاليت سياسی، رفتار در ورزش، رسانه ها، رفتار با پدر و مادر، همسر، فرزند، رئيس، مرئوس، پليس، مأمور دولت، سفرها، نظافت و طهارت که در متن زندگی انسان است(بيانات مقام معظم رهبري،23/7/91). به اعتقاد معظم له تمدن نوين اسلامي در بخش اصلي از اين مولفه ها تشکيل ميشود و بخش سبک زندگي را بخش نرم افزاري تمدن اسلامي ميشمرند و معتقدند که پيشرفت تمدن اسلامي مرهون پيشرفت و کار در اين بخش نرم افزاري است. ايشان ميفرمايند: "اگر ما در اين بخشی که متن زندگی است، پيشرفت نکنيم، همه‌ی پيشرفت هائی که در بخش اول کرديم، نمي تواند ما را رستگار کند؛ نمي تواند به ما امنيت و آرامش روانی ببخشد؛ هم چنان که می‌بينيد در دنيای غرب نتوانسته است؛ در آن جا افسردگی هست، از درون به هم ريختن هست، عدم امنيت انسان ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست" (بيانات مقام معظم رهبري،23/7/91). ايشان در ادامه آسيب شناسي در اين حوزه را وظيفه نخبگان فکري و سياسي، جوانان، رسانه ها، تريبون هاي فرهنگي و برنامه ريزان آموزشي و فرهنگي ميدانند و ايجاد گفتمان سبک زندگي در محيط اجتماعي را زمينه ساز درخشندگی ملت ايران در دنيا و گسترش انديشه‌ی اسلامیِ ملت ايران و انقلاب اسلامی ايران در دنيا ميشمرند. ايشان در تبيين آسيب شناسي سبک زندگي به موضوعاتي همچون ضعف فرهنگ کار گروهي، آسيب هاي اجتماعي هم چون طلاق و مواد مخدر، ضعف فرهنگ صله رحم، فرهنگ بد رانندگي، آپارتمان نشيني، الگوهاي تفريحي، نوع معماري و ... اشاره نموده و به طور کلي ديدگاه ايشان در خصوص آسيب شناسي سبک زندگي، حوزه هاي رفتاري در خانواده و اجتماع را در بر ميگيرد. ايشان تقليد از فرهنگ غربي را يکي از عوامل آسيب زا در اين حوزه معرفي ميکنند و خصوصاً بر روي فرهنگ مصرف گرايي و حقوق افراد در خانواده که متاسفانه تحت تاثير فرهنگ غربي است تأکيد و توجه ويژه دارند. ايشان در ادامه به بحث فرهنگ زندگي اشاره کرده و

تبیین و تدوین و اسلامي کردن فرهنگ زندگي را اصلي مهم و قابل تأمل میشمرند و میفرمایند: "یك مقوله‌ای در اینجا مطرح میشود به عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی، باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن مایه‌های یك چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم "(بیانات مقام معظم رهبري،23/7/91). ایشان در ادامه الزامات کاربردي در این زمینه را 1- تفسیر صحیح از زندگي و هدف زندگي 2- انتخاب و تبیین سبک زندگي بر اساس ایمان و اعتقاد و 3- حرکت براساس ایدئولوژي و مکتب میدانند.معظم له خصوصاً به لزوم ایدئولوژي و مکتب توجه ویژه دارند و تأسیس تمدن اسلامي را لازمه آن میشمرند و در ادامه در خصوص تقلید کورکورانه و پیروي از فرهنگ دیگران هشدار جدي میدهند. به نظر ایشان الگوسازي انساني در تحقق سبک زندگي اسلامي و به دنبال آن تمدن اسلامي، انسان با ایمان قدرتمند و با وجه ایمان و عبودیت است. به اعتقاد ایشان متولیان الگوسازي فرهنگي و انساني حوزه هاي علمیه و محققان و دانشوران هستند که در خصوص اخلاقیات و آداب اسلامي باید کار کنند و میفرمایند که منبع این تحقیقات همان منابع اسلامي ما هستند".. ایشان در خصوص تقلید از فرهنگ غربي و آثار زیان بار آن مجددا هشدار داده و میفرمایند: " نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش های زندگی و سبك و سلوك زندگی را به ملت ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است.... تقلید از غرب برای کشورهائی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاوردهٔ؛ حتّی آن کشورهائی که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یك فرهنگ مهاجم است..هرجا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیان های اساسیِ اجتماعی را از بین بردند؛ تا آن جائی که توانستند، تاریخ ملت ها را تغییر دادند، زبان آن ها را تغییر دادند و بنیان های فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند." ایشان از دیگر آسیب هاي فرهنگ غربي به "عادي سازي گناه، زندگی مادیِ شهوت‌آلودِ گناه‌آلودِ هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت، عادت در زمینه تقلید اشاره میکنند. البته به اعتقاد ایشان کار فرهنگي مستلزم حرکتي تدریجي و زمان بر است و به یکباره محقق نمي شود. اگر بخواهیم اقدامات کاربردي در زمینه سبک زندگي با هدف تحقق تمدن اسلامي را خلاصه کنیم میتوان به موارد زیر اشاره نمود.

1-تبیین و تدوین مفهوم پیشرفت2- شناخت و تبیین ابعاد پیشرفت همه جانبه 3- تبیین و تعریف سبک

زندگي و ابعاد آن4- تبيين بخش ابزاري تمدن اسلامي و برنامه ريزي پيشرفت در ابعاد مختلف آن5- شناخت ابعاد فردي سبک زندگي و برنامه ريزي ابعاد مختلف آن 6- شناخت ابعاد اجتماعي سبک زندگي و برنامه ريزي ابعاد مختف آن7- آسيب شناسي حوزه هاي مختلف سبک زندگي 8- تدوين سرفصل هاي مناسب آموزشي و فرهنگي سبک زندگي 9- اسلامي سازي و بومي سازي مولفه هاي سبک زندگي 10- تبيين مقوله "فرهنگ زندگي"11- برنامه ريزي جهت تحقق بن مايه هاي فرهنگ زندگي 12- تبيين فرهنگ زندگي بر اساس ايمان و اعتقاد13- تبيين ايدئولوژي سبک زندگي ومبارزه با "ايدئولوژي زدايي"14- پرهيز از تقليد 15- تبيين الگوي انسان سازي براساس الگوي انسان باايمان و عابد16- تبيين الگوي سلوک عملي در اجتماع 17- حفظ بن مايه هاي فرهنگي و هويتي و خط و زبان 18- استفاده از عامل و ابزار هنري براي ترويج فرهنگ و هويت ايراني اسلامي 19- پرهيز از سطحي نگري، ظاهر گرايي و تحجر 20- پرهيز از سکولاريزم آشکار و پنهان در برنامه ها و شعارها21- استفاده از قدرت و ظرفيت فرهنگي انقلاب اسلامي

هـ) تقويت مسجد به عنوان پايگاه مقبول اجتماعي

براي ايجاد و گسترش و همگاني کردن تمدن نوين اسلامي در جوامع اسلامي لازم است به اين پايگاه مهم توجه کافي مبذول گردد.در همه کشورهاي اسلامي نهادي به چشم ميخورد که قدرت قادر به دسترسي آن نيست و آن نهاد مسجد است. مسجد به واسطه ارتباط مستقيم ميان ارتباط گران و مخاطبان، روابط چهره به چهره و دريافت بازخوردهاي فوري و تاثيرات عاطفي به عنوان نقطه اتکا و مرکز ثقل سازمان جامعه به ايفاي نقش ميپردازد و ميتواند بنيان هاي اساسي يک تمدن نوين اسلامي را پايه ريزي کند. (طوقاني، 1392). مقام معظم رهبري نيز مسجد را منشا آثار بزرگ و نهضت ها و حرکت هاي بزرگ دانسته و ميفرمايند: "مسجد، نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزيز اسلامي ما، بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاريخ، منشأ آثار بزرگ و نهضت ها و حرکت هاي اسلامي بزرگي شده است." (بيانات مقام معظم رهبري،19/10/75). هم چنين مساجد را کانون حرکت هاي انقلابي و تبليغي و فرهنگي ميدانندو ميفرمايند" در همه ي مراحل اين تاريخ پرافتخار، مساجد هميشه پايگاه دينداري و حرکت مردم در جهت دين بوده است. انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامي که حرکت و بسيج مردم مطرح ميشود - چه سياسي و چه نظامي - باز مساجد کانونند ولي مسجد، به طور کلي به عنوان يك پايگاه، دين و عبوديت، پايگاه معرفت، ميتواند براي جوامع اسلامي منشاء و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد"(بيانات مقام معظم رهبري،14/12/70). هم چنين ايشان اقبال مردم به مساجد را فرصتي جهت انجام کارهاي تبليغي بزرگ و هسته اي جهت تعليم و تربيت و روشنگري ميدانند. معظم له در ادامه ميفرمايند" ، يکي از علل پيروزي انقلاب و سهولت اين پيروزي اين بود که مردم به مساجد اقبال پيدا کردند، جوان ها مساجد را پر کردند، علماي اعلام مساجد را به عنوان يك مرکزي براي تعليم، براي تربيت، براي روشنگري افکار و

اذهان مورد استفاده قرار دادند؛ و مسجد شد مركزي براي حركت، براي آگاهي، براي نهضت، براي افشاي اسرار زمامداران فاسد و خود فروخته رژيم طاغوت" (بيانات مقام معظم رهبري،19/10/75

به كارگيري ابزارهاي تبليغي جهت ظرفيت سازي تمدن اسلامي

از نظر مقام معظم رهبري تبليغ داراي سه ركن است: منشأ تبليغ، هدف تبليغ و ابزار و شيوه هاي تبليغ. ايشان منشأ تبليغ را فكر، انديشه، خردمندي، اخلاص و معنويت ميدانند و اين كه تبليغ از يک منبع نوراني سرچشمه بگيرد. ايشان ميفرمايند: "اگر اين تبليغ از روي هواي نفس ، انگيزه هاي ناسالم و بي اعتنايي به اصل كار شد، تأثير آن هم تأثير آن سرچشمه فيّاضي نخواهد بود كه از يک منشأ عزيز و پُربار حقيقي سرچشمه ميگيرد. منشأ بايد هم فكر و انديشه و مطالعه و تأمّل و تدبّر باشد و هم اخلاص و نصح و علاقه به مخاطب كه براي او تبليغ ميكنيم ".ايشان هدف تبليغ را عبوديت دانسته و البته معتقدند كه اين عبوديت عرصه فردي ، سياسي و اجتماعي را در بر ميگيرد. به فرموده ايشان"هدف، كشاندن مردم به عبوديّت است؛ منتها عبوديّت منطقه وسيعي در زندگي انسان دارد و آن منطقه به عمل شخصي منحصر نيست"(بيانات مقام معظم رهبري،3/10/76). ايشان روي روشها تاكيد كرده و ميفرمايند: "روش ها خيلي مهمّ است. در همين آيه مباركه «ادع الي سبيل ربّک بالحكمة» ، روش را بيان فرموده است؛ سخن حكمت آميز، يعني سخن محكم، غيرمشتبه، غيرموهون و غير ضعيف كه همان حكمت است.«بالحكمة والموعظة الحسنة و جادلهم بالّتي هي احسن" .به دليل همين نگاه گسترده ايشان در اين زمينه، شاخصه تبليغات و ابزارهاي تبليغاتي و نقش موثر آن در تبيين سبک زندگي، فرهنگ سازي ، اميد و تبيين آينده، اين مقال ابزار تبليغي را به عنوان يكي از شاخصه هاي ظرفيت سازي تمدن اسلامي معرفي ميكند.

ح) شناخت ظرفيت هاي فرهنگ تشيع در تمدن سازي

فرهنگ پيشرو تشيع به عنوان عامل بسترساز در پيروزي انقلاب اسلامي در مرحله تمدن سازي هم از قابليت بسياري برخوردار است.اين فرهنگ به لحاظ ارائه عناصر تمدن ساز،انگيزه بخش و غايت آفرين، ميتواند نقش راهگشايي در خلق تمدن نوين اسلامي ايفا كند. ادولت هاي اسلامي در قرون گذشته هرچند نتوانستند به سطح تمدن سازي اصيل اسلامي نائل شوند، ولي بهره گيري هرچند اندک از ظرفيت هاي فرهنگي و سياسي تشيع، بستري را براي توسعه و پيشرفت در عرصه هاي هنري، اقتصادي، علمي و فرهنگي فراهم نمود. چنان چه مورخان و مستشرقان از اين دوره به نام هاي "عصر شكوهمند اسلامي" و "رنسانس اسلامي" ياد كرده اند. (كرمر،1375،ص 34). فرهنگ و آموزه هاي تشيع يک فرهنگ پيشرو است و نه منفعل و پس رو كه عناصر آن به اين قرار است: 1-جهت دهي و تحقق آرمان شهر 2-پويايي و انگيزه بخشي و 3- وجود عناصر تمدن

ساز در پيكره آن. علامه جوادي آملي اين ظرفيت تمدن ساز را به زيبايي تشريح نموده اند: "منظومه ولايي تشيع سازواره اي منسجم از نظامات فرهنگي، حقوقي و سياسي و توابع هريک از اين هاست که ارکان اصلي نظام تمدني را شکل ميدهد که هريک هماهنگ و همسو با ساير اجزاي نظام و البته با کارکردهاي خاص خود زمينه را براي برپايي تمدني کمال يافته که بر دو اصل "توحيد و لوازم آن" و "عدالت و توابع آن"استوار است، فراهم ميآورد "(جوادي آملي، 1388، ص 88). از عناصر فرهنگي تشيع در بعد تمدن سازي ميتوان به "فرهنگ بسيج سازي " اشاره نمود. زيرا از ويژگي هاي بارز فرهنگ هاي مولد و تمدن ساز، توان بسيج توده هاي مردمي در جهت آرمان مشترک و به کارگيري آن ها در ساختن نظام نوين اجتماعي است. علاوه بر بسيج سازي از ديگر ظرفيت هاي تشيع ميتوان به عناصري هم چون رهبري عالمانه، عقلانيت، شريعت محوري،تحقق جامعه آرماني در قالب فرهنگ مهدويت و انتظار، پويايي بخشي و خرد ورزي هم اشاره نمود که قبلا در بخش مجزايي هر کدام در قالب شاخصه هاي تمدن نوين اسلامي مورد بحث و بررسي قرار گرفت.

6- لزوم آينده نگري و ترسيم چشم انداز براي حوزه ها

مقام معظم رهبري با نگاه به افق آينده و رشد و پيشرفت ناشي از دانش و تکنولوژي در همه جوامع تنها راه بقا و ماندگاري حوزه را آينده نگري و برنامه ريزي درست مديران و صاحبنظران دانسته و ميفرمايند"امروز را نگاه کنيد. فردايي وجود دارد ،اين فردا چگونه است؟ اگر امروز ارکان حوزه يعنی مديران، صاحب نظران، اساتيد، برجستگان همت بکنند، درست فکر کنند و برنامه ريزی کنند، حوزه بيست سال ديگر از لحاظ سطح و عمق و عرض و طول و توسعه ی نفوس، از حالا به مراتب بهتر خواهد بود. اگر اين آينده نگری امروز در حوزه ی قم انجام نگيرد و به وضع موجود راضی باشيم؛ فردا حوزه ای رو به انحطاط خواهيم داشت. بايد اين فکر را در حوزه نهادينه کنيد. هم مديران حوزه، هم شورای عالی حوزه، هم بزرگان حوزه، هم حضرات مراجع بايد به فکر حوزه در سی سال آينده باشيم. دنيائی که احتمالاً هيچ شباهتی با امروز ندارد؛ از لحاظ امکان اثرگذاری، تسخير دل ها، تسخير سرزمين ها. حوزه ی علميه ميخواهد عقب بماند؟ سی سال آينده را به همين قياس کنيد؛ مديران حوزه، فضلای حوزه، صاحبنظران حوزه بايد همتشان اين باشد. بنابراين در شيوه ی آموزش،پژوهش، کتب درسد؛ تحول ميخواهد.."(بيانات مقام معظم رهبري،8/9/86).همان طور که قبلا اشاره شد حوزه علميه به عنوان يکي از متوليان جدي عرصه فرهنگي در کشور نياز جدي به ترسيم چشم انداز فرهنگي و در حوزه مسائل فرهنگي دارد.مقام معظم رهبري نظريه پردازي در زمينه تدوين سياست هاي فرهنگي را وظيفه حوزه و روحانيت ميدانند و در اين زمينه

ميفرمايند: "نظريه‌پردازی سياسی و نظريه‌پردازی در همه‌ی جريانهای اداره‌ی يك ملت و يك كشور در نظام اسلامی به عهده‌ی علمای دين است. آن كسانی ميتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مديريت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربيتی و مسائل فراوان ديگر نظر اسلام را ارائه بدهند كه متخصص دينی باشند؛ اگر علمای دين اين كار را نكردند، نظريه‌های غربی، ن غيردينی و مادی جای آنها را پر خواهد كرد. هيچ نظامی، هيچ مجموعه‌ای در خلأ نمي تواند مديريت كند؛ يك نظام مديريتی ، اقتصادی و سياسی ديگری كه ساخته و پرداخته‌ی اذهان مادی است، می‌آيد جايگزين ميشود؛ وقتی اينها رائج شد، مديران بر اساس آن ها تربيت ميشوند؛ همين مديران می‌آيند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد كشور، در رأس مسائل سياسی داخلی، خارجی، امنيت، غيره و غيره قرار ميگيرند. حوزه‌های علميه و علمای دين پشتوانه‌هائی هستند كه موظفند نظريات اسلامی را در اين زمينه از متون الهی بيرون بكشند... برای برنامه‌ريزی، برای زمينه‌سازی‌های گوناگون. پس نظام اسلامی پشتوانه‌اش علمای دين و علمای صاحب‌نظر و نظريات اسلامی است" (بيانات مقام معظم رهبري،29/7/89). مقام معظم رهبري در سال 1379 نيز در جمع روحانيون و فضلاي حوزه علميه قم در پاسخ به اين كه نقش آفرينان تمدن اسلامي چه كساني هستند، علماي دين و حوزه هاي علميه را مهم ترين نقش آفرينان تمدن اسلامي دانسته و ميفرمايند" بدون شک مديران جامعه و آحاد مردم جزء نقش آفرينانند، اما نقش علماي دين يک نقش يگانه است.مديران جامعه هم براي اين كه بتوانند دست نقش آفريني كنند، به علما احتياج دارند. نقش آفريني را به علماي دين منحصر نمي كنيم، اما جايگاه نقش آفريني علماي دين را از همه جايگاه هاي ديگر برجسته تر ميبينيم.به اين دليل روشن كه در اين راه، انديشه ديني و ايمان ديني براي انسان ها لازم است.توليد فكر اسلامي براي اين راه ضروري و لازم است و اگر علماي دين سر صحنه نباشند، ديگري نمي تواند اين كار را انجام دهد" (بيانات مقام معظم رهبري،29/7/89).

7- ارتباط چشم انداز فرهنگي حوزه ها با شاخصه هاي تمدن نوين اسلامي

با مقايسه اين مباحث در حوزه وظايف روحانيت و شاخصه هاي تمدن نوين اسلامي و با نظر به اشاره صريح مقام معظم رهبري به نقش حوزه ها در تمدن سازي و نيز لزوم ترسيم چشم انداز براي حوزه هاي علميه نتيجه گيري ميشود كه حوزه هاي علميه در ترسيم چشم انداز فرهنگي خود بايستي كاملا شاخصه هاي فرهنگي را شناسايي كرده و مولفه هاي چشم اندازي خود را براساس مولفه هاو شاخصهاي تمدن نوين اسلامي طراحي نمايند.از آنجا كه چشم انداز هر سازمان بر اساس شناخت نقطه اي كه در آن ايستاده ايم و نقطه اي كه ميخواهيم به آن برسيم برنامه ريزي ميشودو طبيعي است كه ايده آل حركت و آينده مطلوب در نظام اسلامي همان تشكيل تمدن نوين اسلامي و رسيدن به مولفه ها و شاخصه هاي آن در سطح آرماني است.اين مقاله با بررسي دقيق شاخصه ها به اين نتيجه رسيده كه كليه شاخصهاي تمدن نوين اسلامي در 5 بخش 1- نظريه

پردازي و تدوين سياستهاي فرهنگي 2- اجراي قوانين و سياستهاي فرهنگي 3- تربيت نيروي انساني 4- برنامه هاي تبليغاتي و 5- روابط بين الملل و تعامل با ساير ملل قابل دسته بندي است.

1- سطح نظريه پردازي و تدوين سياست هاي فرهنگي

نظريه پردازي و تدوين قوانين چه در بخش فقهي و چه فرهنگ سازي از وظايف اصلي حوزه هاي علميه است.در اين مجموعه،مي توان ده شاخص مولفه تمدن نوين اسلامي را به عنوان زيرمجموعه هاي اين بخش قرارداد.در بخش استخراج شاخص هاي فرهنگي از سخنان مقام معظم رهبري ما در اين بخش به شاخصهاي زير رسيديم:1 - اجتهاد پويا 2- ايجاد احساس هويت و خودباوري 3- تبيين مباني نظري و فلسفي در زمينه سبک زند گي 4-محوريت عقل و خردورزي 5- محوريت توحيدگرايي 6- تقويت هويت ايرانيـ-اسلامي 7-تقويت حس کرامت 8-ترويج فرهنگ امربه معروف و نهي از منکر9-تغيير نگرش به نقش خانواده 10-نوآوري و پرهيز از تقليد

2- سطح اجراي قوانين و سياست هاي فرهنگي

بعد از نظريه پردازي و اجراي قوانين ، نوبت به سياستهاي اجرايي در بخش قوانين و سياست هاي فرهنگي ميرسد که چشم انداز فرهنگي بايد در اين بخش نيز برنامه و سياستگذاري داشته باشد. در اين مجموعه، ميتوان شش شاخص مولفه تمدن نوين اسلامي را به عنوان زيرمجموعه هاي اين بخش قرارداد.

3- تربيت نيروي انساني

بعد از اجراي قوانين و سياست هاي فرهنگي ، نوبت به تربيت نيروي انساني چه در بخش مديريت و چه تربيت طلاب و تربيت نيروي انساني در جامعه ميرسد که چشم انداز فرهنگي بايد در اين بخش نيز برنامه و سياست گذاري داشته باشد. در اين مجموعه، ميتوان چهار شاخص مؤلفه تمدن نوين اسلامي را به عنوان زيرمجموعه هاي اين بخش قرارداد.

3- برنامه هاي تبليغاتي

بعد از بخش تربيت نيروي انساني نوبت به تدوين و سياستگذاري و اجراي برنامه هاي تبليغاتي در حوزه ميرسد که که چشم انداز فرهنگي بايد در اين بخش نيز برنامه و سياستگذاري داشته باشد. در اين

مجموعه،مي توان چهار شاخص مولفه تمدن نوين اسلامي را به عنوان زيرمجموعه هاي اين بخش قرارداد

4- روابط بين الملل و تعامل با ملل اسلامي

حوزه هاي علميه در تدوين چشم انداز فرهنگي بايد در بخش بين الملل و تعامل با ملل اسلامي براي تحقق تمدن نوين اسلامي نيز برنامه و سياستگذاري داشته باشد. در اين مجموعه، ميتوان چهار شاخص مولفه تمدن نوين اسلامي را به عنوان زيرمجموعه هاي اين بخش قرارداد.

فهرست منابع:

1. ابن خلدون، عبدالرحمن،1375، مقدمه، ترجمه محمدپروين گنابادي، چاپ هشتم، تهران، انتشارات علمي-فرهنگي

2. آدمي،ابرقويي،1387، درآمدي بر دانشگاه تمدن ساز اسلامي، بايسته هاي نظري، تهران: انتشارات دفتر برنامه ريزي و مطالعات فرهنگي

3. اصفهاني، حسين بن محمد، 1415 ق، المفردات في غريب القرآن، دمشق: دارالعلم، الدارالشاميه

4. جان احمدي، فاطمه، 1388، تاريخ فرهنگ و تمدن اسلامي، تهران: انتشارات نشر معارف

5. جعفري، علامه محمد تقي، 1373، فرهنگ پيرو، فرهنگ پيشرو، جلد6، تهران: انتشارات علمي و فرهنگي

6. جوادي آملي، عبدا، 1388جامعه در قرآن، تفسير موضوعي قرآن، قم: اسراء

7. جهان بين، فرزاد، معيني پور، مسعود، 1393، " فرآيند تحقق تمدن نوين اسلامي از منظر آيت ا خامنه اي" مطالعات انقلاب اسلامي، س 11، ش 39، صص 46-29

8. خامنه اي،سيدعلي، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار رئيس و اعضاي مجلس خبرگان رهبري،14/6/92،

9. _، بيانات مقام معظم رهبري در اجلاس «علما و بيداري اسلامي» در تهران9/2/92

10. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار جوانان استان خراسان شمالی23/7/ 91

11. _، بيانات مقام معظم رهبري در سالروز عيد سعيد مبعث29/4/88

12. _، بيانات مقام معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجويان و اساتيد دانشگاه صنعتی امير كبير12/9/ 79

13. _، بيانات مقام معظم انقلاب اسلامی در ديدار مردم شاهرود20/8/85

14. _، بيانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عيد فطر21/11/75

15. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار جمعی از مداحان11/2/92

16. _، بيانات مقام معظم رهبری خطبه‌هاي نماز جمعه تهران14/11/90

17. _، بيانات مقام معظم انقلاب اسلامي در ديدار جمعی از كارگردانان سينما و تلويزيون23/3/85

18. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار گروه كثيری از پاسداران به مناسبت ميلاد امام حسين (ع) و روز پاسدار17/7/81

19. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی25/6/ 94

20. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار عمومی بسيجي6/1/85

21. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار دانشجويان6/5/92

22. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديداربا اقشار مختلف مردم در روز نيمه‌ي شعبان27/5/87

23. _، بيانات مقام معظم رهبري در ديدار علما، طلاّب و اقشار مختلف مردم شهر مقدس قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی ماه19/10/ 75

24. _، بيانات مقام معظم رهبری در ديدار با علما و روحانيون در آستانه ماه مبارك رمضان3/10/76

25. _، بيانات مقام معظم رهبری در پايان چهارمين مجمع بزرگ فرماندهان و مسؤولان دفاتر نمايندگي ولي‌فقيه در سپاه27/6/ 70

26. _، بيانات مقام معظم رهبری در ديدار دانشجويان فردوسي مشهد25/2/86

27. _، بيانات مقام معظم رهبری در ديدار جمعی از اساتيد، فضلا، مبلّغان و پژوهشگران حوزه های علميه كشور8/9/86

28. _، بيانات مقام معظم رهبری در ديدار طلاب، فضلا و اساتيد حوزه علميه قم29/7/89

29. رجبي دواني، محمد حسين، خزاعي، علي، 1394، " تمدن نوين اسلامي اثر گذار بر ساخت دروني استحكام نظام جمهوري اسلامي ايران" مجموعه مقالات همايش ملي تمدن نوين اسلامي، دانشگاه شاهد، 16 مهر 94.

30. سپهري، محمد، 1385، تمدن اسلامي در عصر امويان، تهران:نورالثقلين

31. طوقاني، ابوذر، 1392،عوامل و زمينه هاي شكوفايي تمدن اسلامي، تهران: بي نا

32. عميد، حسن، 1389، فرهنگ فارسي عميد، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع

33. فوزي، يحيي و صنم زاده، محمودرضا، 1391، " تمدن اسلامي از ديدگاه امام خميني" فصلنامه علمي-پژوهشي تاريخ و فرهنگ تمدن اسلامي، سال سوم، شماره 9

34. كرمر، جوئ،لال، 1375، احياي فرهنگي در عهد آل بويه، انسان گرايي در عصر رنسانس اسلامي، ترجمه محمدسعيد حنايي كاشاني، تهران: مركز نشر دانشگاهي

35. ملاشاهي، مريم، 1394، "اقتضائات تحقق تمدن نوين اسلامي"مجموعه مقالات همايش ملي تمدن نوين اسلامي، دانشگاه شاهد، 16 مهر 94.

36. ملكي، حسن، 1393، " اخلاق، معنويت و تمدن اسلامي"، مطالعات معرفتي در دانشگاه اسلامي، دوره 17، ش 4

37. ملايي، حسن، 1394، جايگاه و كاركرد آموزه هاي مهدويت و انتظار در شكل گيري تمدن نوين اسلامي از ديدگاه امام خامنه اي"پژوهش هاي مهدوي، سال سوم،ش 12

38. مصطفوي، حسن، 1360، التحقيق في كلمات القرآن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر كتاب

ولايتي، علي اكبر، 1384، پويايي فرهنگ و تمدن اسلام و ايران، جلد1، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ سوم

[1] . طلبه پايه دو حوزه علميه خديجه كبري(س) و كارشناس ارشد مديريت فرهنگي، تابستان 96